

## مقام اهل بیت در شعر خاقانی

غلامرضا هاتفی

در نوشتار زیر، حد و چگونگی ارتباط خاقانی با علی (ع) و خاندان اهل بیت (ع) یادآوری می‌شود. ضمن این که وی در مواردی با استفاده از عناصر موجود در وقایع زندگی این گروه خاص، دست به ساخت ترکیب‌هایی می‌زند و از آن به نفع افکار خود بهره می‌گیرد.

توضیح این بیت چنین است که هر کدام از دو پیشوای دین درری و خوی، آنچنان به علی (ع) می‌ماند که گویی نقشی است که از علی درآینه افتاده است. ذوالفقار علی (ع)

نام شمشیر منبه بن حجاج که در جنگ بدر کشته شد و به پیامبر رسید. و در روز جنگ احد، پس از شکست و فرار مسلمانان، بعد از آن که شمشیر علی (ع) در دفاع شجاعانه از پیامبر اکرم (ص) شکست. پیامبر ذوالفقار را به علی داد و چون پیامبر جنگ علی را با کافران دید، فرمود: لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار. و گویند این شمشیر از آسمان‌ها برای پیامبر فرود آمده بود. طول آن را هفت و پنج و عرض آن را یک و پنج نوشته‌اند. در باب تسمیه آن، اختلاف است و یکی از آن وجوه، این که با هر ضربه‌ای که علی (ع) کبر کسی فرود می‌آورد، آن شخص را از زندگی در این دنیا و از بهشت در آن دنیا فقیر می‌کرد.

(نازبان‌های سلوک ص ۳۵۱-۳۵۰)

از این رو خاقانی لابلای اشعار خود به آن اشاره کرده است و گاهی با عنوان: تیغ حیدری، تیغ علی، تیغ حیدر، ذوالفقار ظفر، شمشیر حیدر، ذوالفقار نصرت، یاد کرده است.

ای حیدر زمانه به کلک چو ذوالفقار

نام فلک به صدر تو قنبر نکوتر است

ص ۷۶ ب ۱۰

شاه یزیدیان علی آسا و ذوالجلال

از گوهر زبان منش ذوالفقار کرد

ص ۱۵۱ ب ۱۰

ای ذوالفقار دست هدی زنگ گیر، زنگ

کان بو تراب علم به زیر تراب شد

ص ۱۵۷ ب ۲

چون حیدر ذوالفقار بر گش

ای ظلم تو مخرب ملک یزیدیان  
لاف از علی مزین که یزید دوم تویی  
ص ۹۳۱ بیت ۱۶  
این بیت جزو ابیاتی است که خاقانی در هجورشید و طواط سروده است و رشید و طواط را از عشق ورزیدن به خاندان اهل بیت مولا علی (ع) بر حذر داشته است و به نظر مولانا، کسی که عشق به مولا دارد، نباید در وجودش صفت ظلم و ستم وجود داشته باشد.

در لابلای اشعار، گاهی به حدیث معروف پیامبر اسلام (ص) اشاره می‌کند که در شأن مقام حضرت علی (ع) فرمودند: انا مدینه العلم و علی بابها. من شهر علم هستم و علی دروازه آن است.

یزید دور عالمی زان چون نبی و مرتضی

بحر عقول را دری شهر علوم را دری

ص ۴۲۴ بیت ۲

در کشور دولت چون نبی شهر علمی

در پیشه صولت چو علی شیر و غایب

ص ۴۳۷ بیت ۱۵

بلند همتی و علو درجه مولا علی (ع) را این گونه

بیان می‌کند.

تو علی همتی و عالی تو

زیوری جز علو نمی‌دارد.

ص ۸۵۱ ب ۱۸

چون علی کایینه نگاه کند

دو علی بین به علم و وحی گذار

ص ۲۰۳ ب ۹

حسان العجم افضل الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی از بزرگترین شاعران قصیده‌گوی زبان فارسی است. وی نخست حقایقی تخلص می‌کرد، پدرش درودگر و مادرش کنیزکی رومی بود که اسلام آورد و عمش کافی الدین عمر بن عثمان مردی طیب و فیلسوف بود. خاقانی چندی در خدمت ابوالعلاء گنجوی کسب فنون شاعری کرد و به وسیله او نزد خاقان اکبر فخرالدین منوچهر شروانشاه مقام یافت و لقب خاقانی گرفت. پس از آن، عزلت‌گزید و در اواخر عمر در تبریز به سر برد. مرگ او را به سال ۵۹۵ هـ. نوشته‌اند. وی شاعری متدین و دینداری متعصب است که با وجود پیروی از مذهب تسنن به معتقدات و مقدمات شیعه به دیده تکریم و احترام می‌نگرد. از واقعه کربلا با دلسوزی یاد کرده و احوال خود و نااهلان روزگار را به این واقعه تشبیه می‌کند:

من حسین وقت و نااهلان یزید و شمر من

روزگارم جمله عاشورا و شروان کربلا

ص ۲ بیت ۱۱

خاقانی شرایط عشق‌ورزی به خاندان پیامبر و

مولا علی (ع) را، این گونه بیان می‌کند:

علوی دوست باش خاقانی

کز عشیرت علی است فاضلتر

هر که بدینی از نژاد علی

نیکتر دان ز خلق و عادل تر

بدشان نیکتر ز مردم دان

نیکشان از فرشته کاملتر

ص ۸۸۷ بیت ۳-۲-۱

تا چرخ جهود سان نجید

ص ۱۴ب۵۱۳

مصطفی عزم و علی رزمی که هست  
ذوالفقار ش پاسبان مملکت

ص ۱۶ب۴۹۳

علی یدی که به ملک یزید یان قلمش  
همان کند که به دین ذوالفقار نصرت یاب

ص ۱۲ب۴۹

آفتاب گوهر ساحق که نعل رخس اوست  
اصل آن گوهر کز او شمشیر حیدر ساختند

ص ۵ب۱۲

در نفس مبارکش سفته راز احمدی  
در سفن بلارکش معجز تیغ حیدری

ص ۷ب۴۲۱

دورها بوده در زمین بهشت  
تیغ حیدر برادر تیغش

ص ۲۲ب۴۸۷

زمانه حیدر اسلام خواندش پس از این  
که ذوالفقار مظفر در پیام اوزید

ص ۱۰ب۸۵۴

گر تیغ علی شکافت فرقی  
او البرز از سنان شکافت

ص ۲۱ب۵۱۲

علم بی مثال حضرت علی (ع) تا به حدی است که  
شاعر ممدوح خود را در علم و دانش در ردیف مولا  
آورده است.

در این بیت خاقانی معتقد است که شروان شاه  
برای مردم خویش همان را خواسته است که پیامبر  
برای پیروان خود. پس به ناچار، مردم برای او همان  
را می خواهند که مولا علی (ع) برای پیامبر خواسته  
است.

لاجرم امتش همان خواهند  
که به مختار حیدر اندازد

ص ۱۷ب۱۲۶

خاقانی در این بیت، نقش ممدوح خویش یعنی  
مخلص المسیح عظیم الروم و عزالدوله را با تشبیه  
مضمرب به حیدر تشبیه کرده است.

ملک عقیم گشته زاک یزید گفتا  
کز نفس دین طراز تو به حیدری ندارم

ص ۱۴ب۲۸۱

بی توجهی به دنیا و مافیها، یکی از خصلت های  
روحی مولا علی (ع) است که زیانزد خاص و عام  
دارد و شاعر در این بیت بدان اشاره کرده است.

علی را گو که غوغای حوادث کشت عثمان را  
علی وار از جهان بگسل که ماتم دار عثمانی

ص ۱۲ب۴۱۵

بیت ذیل، اشاره به فتح قلعه خیبر توسط سپاه  
اسلام به فرماندهی حضرت علی (ع) دارد که مولا  
علی (ع) یک تنه درب قلعه خیبر را از جا کند و با این  
اقدام، سپاه اسلام وارد قلعه شدند و توانستند  
دشمنان اسلام را از پای در آورند و این موضوع در  
ادب فارسی بین شاعران، جزو یکی از مضامین

«شاه زنبور»، «امیر النحل»، «شاه نحل» یعسوب  
الدین تمام این موارد کنایه از مولا علی (ع) است، این  
کنایه از آن جاست که یکی از پسوندهای آن بزرگوار  
یعسوب الدین بوده است.

خاقانی در بیت های زیر این پسوند را به کار برده  
است.

تا چو شاه نحل شاه انگیخت لشگر چشم خصم  
صد هزاران چشمه شد چون خانه نحل از بکا

ص ۱۲ب۲۱

یعسوب امت است علی وار از آنکه سوخت  
زنبور خانه زر و سیم آذر سخاش

ص ۸ب۲۳۳

نام من چون سرخ زنبوران چرا کافر نهی  
نفس من چون شاه زنبوران مسلمان آمده

ص ۶ب۳۷۳

به اول نفس چون زنبور کافر داشتم لیکن  
به آخر یافته چون شاه زنبوران مسلمانش

ص ۱۰ب۲۱۰

اختران بینم زنبور صفت کافر سرخ  
شاه زنبور مسلمان به خراسان یابم

ص ۹ب۲۹۶

پس به کوفه مشهد پاک امیر النحل را  
همچو جیش نحی جوش انسی جان دیده اند

ص ۱۱ب۹۰

هر دو زنبور خانه شهوات  
کرده غارت چو حیدر کرار

ص ۸ب۲۰۳

در علمش میرنحل نیزه کشیده چون نحل  
غرقه صد نیزه خون اهل طمان و ضراب

ص ۱۶ب۴۴

کرامت و عدالت حضرت علی (ع) زیانزد خاص و  
عام است. زمانی که مولا، بمتصدی امور بیت المال  
مسلمین را برعهده داشت حکایاتی در کتب قصص  
روایت شده است. همچنین بخشندگی حضرت  
علی (ع) و مدارا و نرمی با زیردستان خود، معروف و  
مشهور است و خاقانی گاه گاهی به این دو خصلت  
مولا اشاره می کند و آن را شاهد مثال برای ممدوح  
خود می آورد:

مرتضی صولتا سوی قنبر  
هدیه چون مرتضی فرستادی

ص ۱۲ب۹۲۴

خورشید دلی و مشتری زهد  
احمد سیری و حیدر احسان

ص ۱۲ب۳۴۷

چو قحط کرم دید در مرز دهر  
علی وار تخم کرم کاشتش

ص ۱۸ب۸۹۱

وقت هیچاست در خورد که علی  
سوی قنبر سلاح بفرستد

ص ۱۳ب۸۵۵

محمود بن علی ست چو محمود و چون علی  
من هم ایاز وجودش و هم قنبر سخاش

ص ۶ب۲۳۳

## □ خاقانی شروانی از کنایه ها، صفت شجاعت، کرامت و عدالت و برخی ویژگی های دیگر امام علی (ع) در اشعار خود استفاده می کند زبده دور عالمی، زان چون بی و مرتضی بحر عقول رادری، شهر علوم رادری

شعری گردید.

ای چراغ یزیدیان که دلت  
چون علی خیبر ستم بشکافت

ص ۱۷ب۲۷۰

ابوتراب:

روزی که علی (ع) در حالت غم و غصه در مسجد  
بیتوته کرده بود، پیغمبر (ص) آمد، رخسار و اندام او  
را از خاک، گردآلود دید و از راه شفقت برای بیدار  
کردن پسر عم خود، فرمودند: قم یا اباتراب. از آن  
روز این کنیت مقرر گشت و بدان تفاخر می کرد.  
بوتراب در اصل ابوتراب است که فارسیان الف را  
اکثراً حذف می کنند

(لغت نامه مدخل بوتراب).

و خاقانی لابلای اشعار خود، از این کنیت مولا  
علی (ع) چنین استفاده کرده است.

به بوتراب که شاه بهشت قنبر اوست  
فدای کعبه و ترابش کواعب و اتراب

ص ۳ب۵۱

او علیه السلام و من بنده  
سومین بوتراب دیدستند

ص ۱۲ب۱۳۷

شاه چو صبح دوم هست جهانگیر از آنک  
هم دل بوالقاسم است هم جگر بوتراب

ص ۶ب۴۸

نظام کشور پنجم اجل رضی الدین  
رضای ثانی ابونصر بوتراب رکاب

ص ۱۱ب۴۹

سحر حلال من چو خرافات خود نهند  
آری یکی است بولهب و بوترابشان

ص ۱۰ب۳۲۹

شجاعت و دلاوری حضرت علی (ع) بر همگان روشن است. دلاوری های آن حضرت در میدان کارزار و رشادت های مولا در جنگ با مشرکین و فتح قلعه خیبر و جنگ احد و بدر و غیره... در ادبیات عرب و عجم به کرات آمده است. خاقانی بنا به ضرورت در مدح ممدوح خود با استفاده از این صفت مولا به توصیف ممدوح خود می پردازد و آن را چه به صورت آشکار و چه به صورت مضمهر به مولا تشبیه می سازد.

خسرو صاحب قران تاج فرق خسروان  
جعفر دین به صادقی حیدر کین به صفدری  
ص ۳ب۲۲۳

حیدر آتش سنان آمد به رزم  
رستم آرش کمان آمد به رزم  
ص ۲ب۴۹۵

مانند علی سرخ غضنفر تویی ارچه  
از نسل فریدونی تر آگ عباپی  
ص ۱۶ب۴۳۷

شاهها عرب نژادی و هستی به خلق و خلقت  
شاه بشر چو احمد و نر عرب چو حیدر  
ص ۵ب۱۹۰

رستم کیقباد خر حیدر مصطفی ظفر  
همره رخس و دلدلش فتح و غزای راستین  
ص ۳ب۲۵۹

چون حیدر خانه دار اسلام  
شاهنشاه خاندان دولت  
ص ۱۲ب۵۰۹

آنت علی رایتی قاتل هر خارجی  
و آنت قباد آیتی قانع هر مزدکی  
ص ۱۵س۹۲۷

حیدر آسمان حسام احمد مشتری نگین  
رایض رأی آسمان صیقل جاه مشتری  
ص ۶ب۴۲۱

امام حسن و امام حسین (ع)  
دو طفل، عبارتی است که در شعر خاقانی به کار رفته است و کنایه از سرور جوانان بهشت: امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است که اشاره به این عبارت عربی دارد. «سیدی شباب اهل الجنة». و حضرت پیامبر (ص) آن دو طفل را چنان گرمی می داشت که آنان در کودکی بر پشت پیامبر می نشستند و حتی زمانی که پیامبر در سجده بودند، سجده نماز را آن قدر طول می دادند تا آن دو از پشت پیامبر (ص) پایین بیایند و خاقانی در این باره گفته است:

که با چهار پیر زبان کرده در دهن  
که با دو طفل در دهن افکنده ریسمان  
ص ۱ب۳۱۱

ز صد هزار خلف یک خلف بود چو حسین  
که نفس احمد بختی رام او زبید  
ص ۱۲ب۴۸۷

بخ بیخ آن بختی که کتف رسول  
جایگاه زمام او زبید  
ص ۱۲ب۴۸۷

دل پاکش محل مهر من است



مهر کتف نبی است جای مهار

ص ۱۴ب۲۰۴

امام سجاد و امام باقر و امام رضا (ع)  
آوردن صفات پرهیزگاری، سداد و دوستی و توفیق برای امامان تشیع در یک رباعی، کاری شگرف است

گو آن که پرهیز و به توفیق و سداد  
هم باقر بود و هم رضا و هم سجاد  
از بهر عیار دانش اکنون به بلاد  
کوصرفی و کوحک و کونقاد  
ص ۹ب۷۱۴

امام جعفر صادق (ع)  
در بیت زیر، منظور از جعفران، یکی پیشوای راستین شیعیان امام جعفر صادق (ع) است و دیگری جعفر برمکی وزیر و داماد هارون الرشید که در کاردانی و زیرکی معروف و مشهور شده بود و خاقانی در قصیده ای دیگر نیز از این دو جعفر یاد کرده است:

دابه شده و در قریش و برمک  
صدیق و کرم تو جعفران را  
ص ۶ب۳۳

آنت علی رایتی قاتل هر خارجی  
و آنت قباد آیتی قانع هر مزدکی  
جعفر صادق به قول جعفر برمک به جود  
با هنر هاشمی با کرم برمکی  
ص ۱۶-۱۵ب۹۲۷

حیدر فاروق عدل جعفر قرآن پناه  
کز شرف او سماک رمح سپاهش سزد  
ص ۱۰ب۵۲۰

خسرو صاحب قران تاج فرق خسروان  
جعفر دین به صادقی حیدر کین به صفدری  
ص ۳ب۴۲۳

یک خانه دارم از زر رکنی و جعفری  
ز آنکس که رکن خانه دین خواند جعفرش  
ص ۱۸ب۲۲۰

دو علی عصمت و دو جعفر جاه  
این یکی صادق آن دگر طیار  
ص ۱۶ب۲۰۲

دو نظام و سوم جعفر است لاوالله  
که داغ ناحیه هر دو نام او زبید  
ص ۱۳ب۸۵۳

حضرت مهدی (عج)

حضرت مهدی یا مهدی منتظر مکنی به ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری ملقب به امام زمان، صاحب الزمان، امام منتظر، حجة القائم، امام قائم و قائم آن محمد، آخرین امام از امامان دوازده گانه شیعه امامیه است. آن امام غایب در سامرا متولد شد، در پنج سالگی، پدر خود را از دست داد و از دیده ها پنهان گشت و فقط به وسیله نواب خاص خویش با شیعیان ارتباط داشت. با در گذشت آخرین نایب، دوره غیبت صغری به پایان رسید و غیبت کبری آغاز گشت. اعتقاد به انتظار مصلح آسمانی کمابیش در تمام ادیان آسمانی دیده می شود و مذهب تشیع معتقد است که حضرت مهدی (عج) در غیبت کبری به سر می برد و در مذهب اهل سنت باور دارند که در دوره آخر الزمان از فرزندان سادات، شخصی ظهور می کند و به ارشاد و هدایت خلق می پردازد.

خاقانی در دیوان خود، صفات هدایت و رهبری را به حضرت مهدی (عج) نسبت داده است و می توان گفت نام مبارک مهدی بیشترین بسامد دارد.

داور مهدی سیاست مهدی امت پناه  
رستم حیدر کنایت حیدر احمد لوا  
ص ۶ب۲۰

بلقیس بانوان و سلیمان شه اخستان  
کز عدل و دین مبشر مهدی زمان اوست  
ص ۲۰ب۷۲۳

فریدون لوا خضر سکندر پناه  
خسرو امت پناه اتسز مهدی شعار  
ص ۱ب۱۷۹

مهدی صفت شهنشه امت پناه داور  
جانبخش چون ملکشه کشورستان چو سنجر  
ص ۱۲ب۱۹۳

مهدی است شاه و عید سلاطین ز فتح او  
خسرم از غلامی آمده دجال اعورش  
ص ۸ب۲۲۵

گفتم بدیدی آخر رایات کتف امت  
و آن مهدی جان مهدی چتر فلک ظلامش  
ص ۱۶ب۲۲۷

خسرو مهدی نیست مهدی آدم صفت  
آدم موسی بنان موسی احمد قدم  
ص ۱۶ب۲۶۱

مهدی که بیند آتش شمشیر شاه گوید  
دجال را به توده خاکستری ندارم  
ص ۵ب۲۸۱

خلوتی کز فقر سازی خیمه مهدی شناس  
همتی کز خلق بینی موکب دجال دان

ص ۳۲۵ ب ۱۱

مهدی آخر زمان المستضی بالله که هست  
خاک در گاهش بهشت عدن عدنان آمده

ص ۳۷۳ ب ۱۳

کیخسرو رستم کمان جمشید اسکندر مکان  
چون مهدی آخر زمان عدل هویدا داشته

ص ۳۸۳ ب ۱۵

ای تاج گردون گاه تو مهدی دل آگاه تو  
یک بنده در گاه تو ده چین و یغما داشته

ص ۳۸۳ ب ۱۵

چار ملت را سوم جمشید دان  
بل دوم مهدیش خوان در شرق و غرب

ص ۲۷۵ ب ۱۰

مفخر اول بشر خوانش که دهر  
مهدی آخر زمان می خواندش

ص ۴۷۷ ب ۱۵

گرچه سیر آموزند اهل هدی از مهدی  
مهدی ز تو آموزد اسرار جهان داری

ص ۵۰۴ ب ۵

خسرو روی زمین سنجر عهد ارسلان  
مهدی آخر زمان داور عهد ارسلان

ص ۵۱۹ ب ۵

ما نا که بحر ناختن مرکبان عقل  
مهدی به عالم آمد و میدان تازه کرد

ص ۷۷۵ ب ۷

هنوز عهد مقامات مهدی ار نرسد  
امیر عادل قائم مقام او زید

ص ۸۵۲ ب ۶

مهدی به پیشگاه هدی  
عدل را پیشوای فرستادی

ص ۹۲۲ ب ۴

دجال

دجال نام یک چشمی است فریب کار که در پایان  
جهان سر بر خواهد آورد و مردمان را به گمراهی و

تباهی خواهد کشاند. در فرهنگ مسیحی نیز با نام  
ضد مسیح، از او سخن رفته است. این دجال

فریب کار در آخر الزمان ظهور می کند و مردمان را  
فریب می دهد و در آن موقع حضرت مهدی (عج) و

حضرت عیسی (ع) برای پاک سازی جهان از تباهی  
و سیاهی به زمین خواهند آمد. در دیوان اشعار

خاقانی به آمدن حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان و  
آمدن دجال قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) اشاره

شده است:  
مهدی که بیند آتش شمشیر شاه گوید  
دجال را به توده خاکستری ندارم

ص ۲۸۱ ب ۵

شاه جهان مهدی ظفر یعنی شبان دادگر  
ایام دجال دگر گرگ ستم زان پرورد

ص ۴۵۶ ب ۱۴

خنجر او چو حربه مهدی است  
که به دجال اعور اندازد

ص ۱۲۵ ب ۳

به تایید مهدی خصالی که تیغش

## □ در روایت و قصص آمده است که

### دجال در آخر الزمان توسط حضرت

مهدی (عج) کشته می شود. خاقانی

### در ابیاتی به این موضوع اشاره

می کند، از جمله:

### مهدی دجال کش آدم شیطان شکن

### موسی دریا شکاف احمد جبریل دم

روان سوز دجال طغیان نماید

ص ۱۳۰ ب ۱۷

ایام بد عهدی کند ز امروز ناگه دی کند  
کار هدی مهدی کند دجال طغیان پرورد

ص ۴۵۶ ب ۱۵

عدلش از مهدی نشان برخاستی  
ظلم دجال از جهان برخاستی

ص ۴۹۴ ب ۱۰

وآنکه مهدی بر گمان داند که هست  
چون ورا دیدی گمان برخاستی

ص ۴۹۴ ب ۱۲

معنی بیت: آن کس که درباره ظهور حضرت  
مهدی (عج) شک و تردید دارد با دیدن ممدوح که شبیه

به حضرت مهدی (عج) است بی گمان استوار دل  
خواهد شد.

شیطان شکن آدم و دجال کشد مهدی  
چون آدم و مهدی باد انصار تو عالم را

ص ۵۵ ب ۱

### دجال و اصفهان

در کتب تاریخ نوشته شده است که دجال، آن  
فریفتار دروغزن یک چشم از یهودیه سپاهان سر بر

خواهد آورد و جهان را به تباهی و گمراهی خواهد  
کشید و در کتاب «تاریخ گزیده» - صفحه ۷۶۳ -

آمده است: دجال از جهودیه اصفهان خروج کند و تا  
کوفه برود از چهار موضع قصد او کند، قومی از

مدینه و قومی از طور و قومی از ذی الیمن و قومی از  
قزوین. خاقانی چند بار از دجال و سپاهان سخن

گفته است.  
هادی امت و مهدی زمان کز قلمش  
قمع دجال صفاهان به خراسان یابم

ص ۲۹۸ ب ۱۹

در این بیت محمد یحیی با تشبیهی رسا به حضرت  
مهدی (عج) مانند شده است.

ذات او مهدی است از مهد فلک زیر آمده

ظلم دجالی ز جاه اصفهان انگیخته

ص ۳۹۶ ب ۶

چاه صفاهان میدان نشیمن دجال

مهبط مهدی شمر فتای صفاهان

ص ۳۵۴ ب ۱۲

کشته شدن دجال

در روایات و قصص آمده است که دجال در  
آخر الزمان توسط حضرت مهدی (عج) کشته می شود

و همچنین آمده است که حضرت عیسی (ع) از  
آسمان ها فرود می آید و حضرت مهدی را در بر

انداختن دجال و دجالیان یاری می دهد و خاقانی در  
ابیات ذیل به کشته شدن دجال توسط حضرت

مهدی (عج) اشاره کرده است.  
مهدی دجال کش آدم شیطان شکن  
موسی دریا شکاف احمد جبریل دم

ص ۲۶۱ ب ۱۷

زآنکه شیطان سوز و دریا افکن است

آدم مهدی مکان می خواندش

ص ۴۷۷ ب ۱۶

خسرو مهدی نیست با صف غوغای عدل  
بر در دجال ظلم آمد و در هم شکست

ص ۵۲۱ ب ۱۶

## منابع

۱- برهان قاطع، محمدحسین بن خلف  
تبریزی، به اهتمام: دکتر محمدمعین، انتشارات  
امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۱.

۲- دیوان خاقانی، به تصحیح. دکتر  
سیدضیاءالدین سجادی، انتشارات زوار، چاپ سوم،  
۱۳۶۸.

۳- شرح دشواریهای دیوان خاقانی، دکتر  
میرجلال الدین کزازی، انتشارات نشر مرکز، چاپ  
اول، ۱۳۷۸.

۴- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، انتشارات  
امیرکبیر، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۱.

۵- لغت نامه دهخدا، چاپ مؤسسه لغت نامه.